نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۲

یادداشت‌های داروخانه

دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شـــویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شـــویم که هر کدامش می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی ســـوار وســـیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی‌که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شـــنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مســـأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انســـان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رســـیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی اســـت که کارکردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتم تا مســـایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشـــت‌های داروخانه»قلمی کنم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مســـایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۲

یادداشت ۱

معمولاً محلول‌هایی که ظرف سفید پلاستیکی دارند، بعضاً در حمل و نقل دچار زدگی می‌شـــوند که ظاهری اســـت و داخل ظرف آســـیبی ندیده و مشـــکلی ندارد. قضیه هم به این شکل است که در جریان حمل و نقل دارو، ممکن اســـت شرینگ آن و یـــا کارتن آن آســـیب ببیند و ظرف‌ها به هم ســـاییده شـــوند و زدگی پیدا کنند. این مسأله هم کاملاً اجتناب‌ناپذیر اســـت و تنها با دقت مضاعف، میزان آن کمتر می‌شـــود. دهان‌شویه را که جلوی مریض گذاشتیم، ظرفش ساییدگی داشت و مریض خواست که عوضش کنیم!

تکنیسین داروخانه به ایشان تذکر داد که مسأله فقط ظاهری اســـت و داخل ظرف مشکلی ندارد. خوشبختانه مسأله خیلی زود حل شد و فیصله یافت.

یادداشت ۲

اکثر خمیردندان‌ها امروزه دیگر اثر سفیدکنندگی دارنـــد و اثرهـــای دیگـــر آن‌هـــا علاوه بـــر اثر ســـفیدکنندگی است، ولی بعضاً روی آن، اشاره‌ای به اثر سفیدکنندگی نمی‌کنند.

تکنیســـین داروخانه بیش از ده نوع خمیردندان که همگی اثر ســـفیدکنندگی هم داشتند را جلوی ایشان گذاشت. خانم مراجعه‌کننده،همه را به دقت وارسی کرد و بیش از ده دقیقه وقت همه را گرفت و در نهایت هم سؤال کرد:

چرا روی این‌ها ننوشته سفیدکننده؟

تکنیسین داروخانه هم برای ایشان شرح ماوقع را داد. خانم مراجعه‌کننده ظاهراً قانع نشد و به دنبال خمیردندانی سفیدکننده، داروخانه را ترک کرد!

یادداشت ۳

پسرک به سختی سنش به پانزده سال می‌رسید. با نگاه کنجکاو و معصومانه‌ای رو به‌رویم ایســـتاد و کاغذی را که در دســـتش بود به سویم دراز کرد. روی کاغذ نوشته بود: ۸ قطره ویتامین.

از او پرسیدم: ۸ قطره مولتی‌ویتامین را برای چه می‌خواهی؟

گفت مـــادرم بچه را (مقصودش برادر کوچکش بود) که برده بود دکتر، به او گفته بود: ۸ قطره بهش می‌دهی. بنده خدا فکر کرده بود، ۸ شیشه قطره باید بگیرد و به بچه بدهد. برای پسرک شرح دادم که قطره در واقع شـــکل دارویی است و در هر شیشه قطره مولتی‌ویتامین بیش از صد قطره دارو وجود دارد، که باید هر بار ۸ قطره با قطره‌چکان به بچه بدهید. هر دو به هم نگاه کردیم و خندیدیم و قائله ختم به خیر شد.

یادداشت ۴

وقتـــی مراجعه‌کننـــدگان جویای یـــک دارو به داروخانه زیاد می‌شـــوند، متوجه می‌شویم که آن دارو در بازار کم شـــده اســـت. بعضـــی از داروها، تعداد زیادی تولیدکننده دارند و کمتر دچار کمبود مقطعی می‌شـــوند. ولی بعضـــی از داروها یکی دو تا تولیدکننده بیشـــتر ندارنـــد و بعضاً دچار کمبود مقطعی شـــده و مشکلاتی در بازار دارویی و برای مردم ایجاد می‌کنند!

چنـــد وقتی بتاهیســـتین که تنها ســـه کارخانه

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۲

می‌سازند دچار کمبود شده بود و مریض‌های زیادی بـــرای تهیه آن مراجعه می‌کردند. ما هم برای این که مقدار کم موجود در داروخانه به همه برسد، یک برگ به آن‌ها برای ده روزشان می‌دادیم و یادآوری می‌کردیم که مشکل به زودی حل می‌شود.

متأســـفانه بعضی‌هـــا فکر می‌کردنـــد که فقط خودشان نیاز دارند و هول می‌زدند که بیشتر بگیرند و توجهی به نیاز دیگران نداشتند!

یادداشت۵

مسأله کارت‌های اعتباری و فرهنگ استفاده از آن، معضلی برای واحدهایی شده که از کارت‌خوان استفاده می‌کنند. از طرفی، مسأله پول خرد نیز مزید بر علت شده و مشـــکلاتی را برای خیلی از جاها از جملـــه داروخانه ایجاد کرده اســـت. برای اندک خریدی، پول درشـــت می‌دهنـــد! وقتی هم اظهار می‌کنی که پول خرد نداریم، کارت را به ســـویت دراز می‌کنند، آن هم برای مبلغی بسیار کم و ناچیز! بانک‌ها هم برای صورت حساب دارای بیش از سی تراکنش، مبلغی را می‌گیرند که خود آن نیز هزینه‌بر است. در صورتی که در اکثر کشورهای دیگر، کارت اعتباری برای جلوگیری از حمل پول با حجم بالا است و مقادیر اندک پول باید نزد فرد وجود داشته باشد تا مجبور نشود برای کمترین میزان خرید به اصطلاح کارت بکشد!

یادداشت۶

خانمی حدوداً پنجاه ساله بود. یک ورق از دارویی خواســـت که OTC بود و پرسید: برای پادرد خوب است؟

به ایشان گفتم: انشـــاءالله. با اصرار سؤال کرد: بالاخره خوب است یا خیر؟

پاسخ دادم: اگر خدا بخواهد، همه چیز خوب است.

چون می‌دانســـتم این دارو بیشتر از نظر روانی برای بیمار و پا دردش خوب است. بنابراین، جواب غیرمســـتقیم دادم و بعد هم گفتم که دارو از طرف پزشک یا داروساز توصیه می‌شود، ولی شفا از سوی خداوند است.

خلاصه قانع شد و چند سؤال دیگر دارویی هم کرد. چون دارای یک کلیه بود، مسأله برایش مهم بود. توضیح دادم و راهی‌اش کردم.